

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۵/۲۵

فخرالدین کردعلیوند^۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۸/۱۲

قباد کاظمی^۲مسعود قاسمی^۳

چکیده

مبحث حبس زدایی و شیوه اجرای مجازات حبس از جمله مقوله های مهم و چالشی در سیاست جنایی نظام کیفری ایران بوده، که با تاثیرپذیری از دیدگاه های نوین جرم شناسی رویکردی جدید نسبت به آن مطرح نموده، یکی از سولاتی که در این پژوهش، مطرح می شود این است که سیاست جنایی قضایی ایران در اجرای مجازات حبس چگونه بوده و با توجه به دستورالعمل ها، بخشنامه ها و آیین نامه های قوه قضائیه به چه صورت ارزیابی می گردد. در این رابطه قوه قضائیه در راستای سیاست حبس زدایی و کاهش جمعیت کیفری زندان ها، اقدام به تدوین و صدور دستورالعمل ها، بخش نامه ها و آیین نامه های متفاوتی نموده که قانونگذار به تاسی از آن با تصویب کاهش مجازات حبس تعزیری در این راه گام هایی برداشته و با تحولاتی در زمینه کاهش جمعیت کیفری و تسهیل مجازات حبس همراه بوده، که تا حدودی مشکلات مربوط به اجرای حبس و حبس زدایی را برطرف و باعث کاهش جمعیت کیفری زندانها و نویدبخش عزم قانونگذار در اجرایی کردن این سیاست بوده است، البته با وجود این اقدام های مثبت، اجرایی کردن این نوع سیاست ها با نواقص و کاستی هایی همراه بوده و آن طور که باید موفقیت آمیز نبوده است. در پژوهش حاضر با روش تحلیلی - توصیفی به بررسی سیاست جنایی قضایی ایران در اجرای مجازات حبس با تأکید بر دستورالعمل ها و آیین نامه ها پرداخته و تلاش شده تا جوانب مختلف موضوع، قوانین و مقررات، چالش ها و خلاء های موجود در این راه مورد بررسی قرار گیرد. واژگان کلیدی: سیاست جنایی، مجازات حبس، اجرای حبس.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

^۱ دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم شناسی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران

^۲ استادیار گروه حقوق، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران. (نویسنده مسئول) kazemi7879@yahoo.com

^۳ استادیار گروه حقوق، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران

بحث حبس زدایی و شیوه اجرای مجازات حبس از جمله مقوله های مهم و چالش برانگیز در سیاست جنایی نظام کیفری ایران است، که از هنگام تولد حقوق کیفری و در ادوار مختلف وجود داشته، و با فرازو نشیبهایی همراه بوده است. سیاست جنایی در جوامع مختلف، با کنترل جرم، پدیده مجرمانه را برای جامعه تحمل پذیر کرده است. در مفهوم کلی سیاست جنایی به معنای مجموعه جهت گیریها و راهکارهای علمی مبارزه بر ضد پدیده مجرمانه، اتخاذ شده از سوی دولت یا از سوی جامعه مدنی، می شود. (کریستین، لازرژ، برگردان نجفی ابرنابادی، ۱۳۹۵: ۴۰) رسالت و هدف اساسی سیاست جنایی سامان دهی و مبارزه هدفمندانه و نظام مند در خصوص جرائم و نابهنجاری موجود در جامعه می باشد. سیاست جنایی به چهار قسم: سیاست جنایی تقنینی، سیاست جنایی قضایی، سیاست جنایی اجرایی و سیاست جنایی مشارکتی تقسیم می شود، که سیاست جنایی تقنینی با الهام از قانون اساسی کشور بر عهده مقنن بوده و تبلور آن در دستگاه قضایی نمود پیدا کرده و سیاست جنایی قضایی را شکل می دهد، بطوریکه سیاست جنایی قضایی یا هنر کنترل جرم شیوه برداشت و تفسیر عملکرد دادگستری و قوه قضاییه از قوانین و مقررات است. برای دستیابی به موفقیت در مبارزه با بزهکاری لازم است هر چهار قسم از سیاست جنایی از هماهنگی لازم برخوردار باشند. سیاست جنایی جهت پاسخ دهی به وضعیت های بزهکاری یا کژروی، در ارتباط است و هدف اصلی آن در اجرای مجازات حبس، اصلاح و بازپروری بزهکاران می باشد.

موضوع زندان و زندانی نیز از گذشته های دور با هدف ایجاد نظم و امنیت چه برای خود فرد و چه برای اجتماع و همچنین برای اصلاح و تربیت مجرمین وجود داشته است و در نزد حقوق دانان و فقها اعم از شیعه و سنی پذیرفته شده است. حبس و زندان در مقابل مجازات های سخت و خشن همچون اعدام و شکنجه و ... روش مطلوبی جهت مجازات محکومان بوده است اما با گذشت زمان و استفاده بی رویه از مجازات حبس آثار مخرب و زیانبار حبس گرایی و عدم موفقیت آن نمایان شد لذا به واسطه آثار مخربی همچون: ایجاد سابقه کیفری، ایجاد مخاطرات بهداشتی، روانی و جسمانی، پیدایش مشکلات اقتصادی تامین هزینه زندان و زندانیان و از طرفی آسیب جدی خانواده های زندانیان و افزایش جمعیت کیفری و ناموفق ماندن زندان در اصلاح و بازپروری مجرم، سیاست جنایی نامناسب و مشکلات متعدد دیگر موجب شده که مجازات سالب آزادی از موضوعات چالش برانگیز در سیاست جنایی اکثر نظام های کیفری می باشد.

در حقوق ایران سیاست جنایی قضایی در خصوص مجازات حبس شیوه های متفاوتی را دنبال کرده است و دست اندرکاران قوه قضاییه با صدور آیین نامه ها و دستورالعمل های متفاوت سعی در حبس زدایی داشته اند. در این خصوص سیاست جنایی قضایی، سیر تحول ثابت و هدفمندی را طی نموده و تصمیمات و اقدامات، با اتکا به نظرهای شخصی در هر دوره ای به طور افتراقی و اتفاقی پیش رفته است.

تحقیق پیش رو با روش مطالعاتی کتابخانه ای و شیوه پژوهشی توصیفی تحلیلی، با عنوان «سیاست جنایی قضایی ایران در اجرای مجازات حبس با تاکید بر دستورالعمل ها و آیین نامه ها مصوب قوه قضاییه» به دنبال پاسخگویی به این سوال اصلی خواهد بود که: سیاست جنایی قضایی ایران در اجرای مجازات حبس با تاکید بر دستورالعمل ها و آیین نامه ها و بخشنامه های موجود چیست؟ ضمن بررسی تحولات مجازات حبس در راستای سیاست جنایی قضایی در احکام صادره چگونه ارزیابی می شود؟ و نیز با توجه دستورالعمل ها و بخشنامه ها و آیین نامه های قوه قضاییه در اجرای مجازات حبس تعامل یا تقابل آنها را با توجه به ظرفیت ارشادی و ماهیت غیر الزام آوری که دارند با رویکرد سیاست جنایی تقنینی

و قضایی مبتنی بر قوانین الزام آور ماهیتی و شکلی چگونه ارزیابی میگردد؟ در پاسخ به سوالات مذکور، مطالعات انجام شده نشانگر این مهم است که دست اندرکاران قوه قضاییه به تاسی از قانونگذاران بر حبس زدایی و کاهش جمعیت کیفری زندانها تأکید دارند در این راستا و با صدور بخشنامه ها و آیین نامه ها و دستورالعمل های متفاوت همت گمارده اند. بر همین اساس طی مراحل مختلف دستگاه قضایی با توجه به اوضاع و شرایط جهت اصلاح شرایط وخیم و قوانین سخت زندان به منظور ارتقاء عدالت قضایی و حقوق زندانیان در تاریخهای متعددی همچون ۲۶ / ۴ / ۱۳۸۰ آیین نامه اجرایی سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور در اجرای ماده ۹ قانون شورای سرپرستی زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور مصوب ۶ / ۱۱ / ۶۴ در سه بخش ابلاغ مینماید. که در ادامه آیین نامه ۱۷ ماده ای به تاریخ ۱۶ / ۱۱ / ۸۴ آیین نامه قبل را ارتقاء میدهد. سپس در راستای کاهش جرایم زندانیان و کاهش بدآموزی در ۹ / ۹ / ۸۵ در اجرای همان ماده ۹ آیین نامه نحوه تفکیک و طبقه بندی زندانیان در قالب ۱۷ ماده توسط ریاست وقت قوه قضائیه ابلاغ میشود. در ادامه در راستای تخفیف و تبدیل مجازات جهت کاهش جمعیت کیفری زندانیان آیین نامه تخفیف و تبدیل مجازات به تاریخ ۱۶ / ۵ / ۱۳۸۷ ابلاغ می شود.

ریاست قوه قضاییه با اصلاح مکرر آیین نامه اجرایی سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور، بخشنامه ها و دستورالعمل های مختلف در خصوص اعطای مرخصی های طولانی مدت علاوه بر مرخصی های موضوع آیین نامه اجرایی سازمان زندانها، بخشنامه ها و توصیه های شفاهی و مکرر در جلسات و همایش ها در خصوص استفاده از آزادی مشروط برای رهایی زندانیان، دستورهای صادرشده از سوی رئیس قوه قضاییه برای توقف اجرای مجازات برخی از محکومان تا هنگام شمول عفو مقام رهبری در خصوص آنها، تقاضاهای متعدد از رهبری برای عفو محکومان به مناسبت های مذهبی، اقداماتی که از طریق ستاد دیه و نهادهای مشابه برای پرداخت دیه و جزای نقدی محکومان معسر به عمل آمده است. در ۲۷ شهریور ماه سال ۱۳۹۵ در اجرای سیاست های کلی قضایی مصوب رهبری در زمینه حبس زدایی، دستورالعمل ساماندهی و کاهش جمعیت کیفری زندانها با امضای رئیس قوه قضائیه جایگزین دستورالعمل پیشین شد، این دستورالعمل در ۳۳ ماده و ۶ تبصره در تاریخ ۱۷ / ۶ / ۱۳۹۵ به تصویب رییس قوه قضاییه رسید و از تاریخ تصویب لازم الاجرا گشت. در اقدامات بعدی رئیس قوه ی قضاییه در تاریخ ۳۱ / ۵ / ۱۳۹۸ در اجرای بند ۶۴ سیاست های کلی برنامه ششم توسعه و مقررات قانون آیین دادرسی کیفری و قانون مجازات اسلامی در زمینه حبس زدایی، «دستورالعمل ساماندهی زندانیان و کاهش جمعیت کیفری زندانها» را جایگزین دستورالعمل ساماندهی زندانیان و کاهش جمعیت کیفری زندانها مورخ ۱۳۹۵ نمود.

از مهم ترین دستاورد های این دستورالعمل تعیین ضرب الاجل برای رسیدگی به درخواست های آزادی مشروط، ساماندهی و کاهش جمعیت کیفری است استفاده از ظرفیت های قانونی قرارهای تأمین کیفری و مجازات جایگزین حبس، که از ورود افراد کمتر از ۱۸ سال، افراد فاقد پیشینه کیفری و زنان به زندان جلوگیری کرده می توان مشخصه دیگر آن برشمرد

در اقدامات بعدی رئیس وقت قوه قضائیه با هدف تسهیل اجرای مجازاتهای جایگزین حبس و حبس زدایی، بخشنامه ها و آیین نامه های دیگری مانند «آیین نامه نحوه اجرای قرار تعلیق اجرای مجازات، آزادی مشروط، قرار تعویق صدور حکم، نظام نیمه آزادی و آزادی تحت نظارت سامانه های الکترونیکی و مجازات های جایگزین حبس» و «بخشنامه پایش و غربالگری زندانیان» و همچنین در سال ۱۳۹۹ قانونگذار در اجرای سیاست جنایی - تقنینی و در راستای

کاهش جمعیت کیفری زندانها قانون کاهش مجازات حبس تعزیری را به تصویب رساندند، که در واقع همگی ادامه قانون مصوب ۱۳۹۲ بودند.

در ایران در خصوص سیاست جنایی مجازات حبس و اجرای آن تحقیقاتی انجام شده و کتب و مقالات مختلفی به رشته ی تحریر درآمده و این تحقیقات در سالهای اخیر گسترده تر شده و مطالعات وسیع تری در این زمینه انجام شده اما در خصوص سیاست جنایی قضایی اجرای مجازات حبس کمتر دیده می شود و سیاست جنایی قضایی با تاکید بر دستورالعمل ها و آیین نامه ها تحقیق مدونی دیده نمی شود و به صورت پراکنده در پژوهش های مختلف مطالبی مشاهده می شود. بنابراین در این پژوهش ما به تحلیل و تبیین سیاست جنایی قضایی ایران در اجرای مجازات حبس با تاکید بر دستورالعملها و آیین نامه های مصوب قوه قضائیه پرداخته و سعی نموده ایم جوانب مختلف موضوع را در نظر بگیریم. بنابراین با توجه به مطالب فوق باید دید که سیاست جنایی قضایی ایران در خصوص اجرای مجازات حبس چگونه عمل نموده و تا چه حد موفق بوده است. در این راستا در پژوهش حاضر در پی اهدافی همچون؛ ساز و کارهای موثر در سیاست جنایی قضایی در اجرای مجازات حبس، تبیین رویکرد سیاست جنایی قضایی در اجرای مجازات حبس و کاهش جمعیت کیفری زندانها با تاکید بر دستورالعمل ها و آیین نامه ها و همچنین آسیب شناسی سیاست جنایی قضایی ایران در اجرای مجازات حبس با نظر به تدوین دستورالعمل ها و آیین نامه های مصوب هستیم.

۲ - مفهوم مجازات حبس

یکی از رایجترین و مهمترین بخش های نظام قضایی هر کشور اجرای مجازات حبس می باشد. که از ابتدای شکل گیری دولتها با هدف کاهش جرم و تنبیه مجرم و ایجاد نظم در جامعه به اشکال مختلف اجرا شده است، قبل از پرداختن به مفهوم حبس در اینجا لازم است ابتدا معنای لغوی حبس را درک و سپس به مفهوم آن پردازیم بنابراین کلمه ی حبس از محبس گرفته شده است و لغت شناسان و حقوقدانان تعاریف مشابهی از آن ارائه داده و در اکثر تعاریف آنها به معنای سلب آزادی آمده است.

در ادبیات کیفری فارسی لفظ حبس به دو معنای مصدری، یعنی کیفر سالب آزادی و محل نگهداری محکوم به چنین کیفری یعنی زندان به کار می رود. ولی در عربی به زندان، محبس گفته می شود گرچه کاربرد واژه ی «حبس» به جای «محبس» در عربی نیز معمول است. (صفاری، ۱۳۸۶: ۱۲۰)

در فرهنگ فارسی معین، کلمه ی حبس به معنی زندانی کردن و باز داشتن آمده است. (معین، ۱۳۸۷: ۴۷۵)
در قرآن کریم نیز از سجن به عنوان حبس یاد شده است. (آیه ی ۲۹ سوره ی شعرا). سجن نیز به معنای زندانی کردن می باشد. یعنی ممانعت از دخل و تصرف آزادی و جلوگیری از انجام اعمال آزادانه. (خوش زبان، ۱۳۹۷: ۱۱)

سجن یا حبس عبارت است از مکانی که در آن محکوم ارتکاب گناهان و جرایم موجب زندان که خود به ارتکاب آن اعتراف کرده یا متهمانی که به اتهام وارده اعتراف نکرده، زندانی می شوند. (گودرزی بروجردی، ۱۳۸۲: ۳۴) بنابراین مفهوم حبس با هر شکل و عنوانی که اجرا شده یا نامیده شود عبارت از سلب آزادی است. (صفاری، ۱۳۹۵: ۱۲۴)

حبس یکی از انواع مجازات هایی است که به موجب آن آزادی محکوم از وی سلب می شود. از این رو حبس را منحصر به زندان نموده اند و هر نوع ایجاد محدودیت و تحت نظر بودن شخص مجرم را، محبوس شدن تلقی کرده اند که نه تنها شامل بازداشت موقت بلکه حالات مختلف محدود کردن شخص در خانه خود و اماکن عمومی و همراه شدن با مامور را شامل می شود. (لنگرودی، ۱۳۷۴: ۲۰۸)

در تعاریف قبل، کلمه ی حبس در کنار زندان آمده است و زندان به معنای واقعی، محلی برای نگهداری محکومان و مجرمان است. تصور افراد عادی از زندان، ساختمانهایی می باشد که در انحصار دولت است که مجرمان و محکومان در آن نگهداری می شوند. باید گفت که امروزه حبس گاهی اوقات معنایی وسیعتر از زندان پیدا می کند و چه بسا محکومان به حبسی که به جای زندان در خانه ی خود حبس شوند (حبس خانگی) و گاهی رفت و آمد و آزادی آنها محدود و نه سلب می شود. بنابراین حبس در مفهوم امروزی خود به معنای سلب و یا محدود نمودن آزادی می باشد.

۳ - مفهوم سیاست جنایی

واژه ی سیاست جنایی از دو کلمه ی «سیاست و جنایی» تشکیل شده است. سیاست به طور کلی به معنای روش های انجام یک کار و عمل و بکارگیری تمام فنون مرتبط با آن می باشد و کلمه ی جنایی از جنایت گرفته شده است. لغت شناسان برای کلمه ی جنایت معانی متفاوتی مثل گناه کرده، چیدن میوه از درخت (دهخدا، ۱۳۷۷) و معانی مشابه ارائه داده اند. این کلمه در حقوق به معنای صدمه زدن به دیگری و جرمی علیه دیگری انجام دادن می باشد.

در خصوص مفهوم سیاست جنایی، اندیشمندان و حقوقدانان تعریف واحدی ارائه نداده اند و این موضوع باعث نوعی ابهام در مفهوم این اصطلاح شده است. سیاست جنایی در ابتدا توسط اندیشمندان اروپایی وارد حقوق دیگر کشورها شد و اولین بار این واژه به عنوان یک رشته ی مطالعاتی علمی، توسط آن سلم فون فوئر باخ به کار رفته است. وی سیاست جنایی را مجموعه اقدامات سرکوبگر و کیفری می داند که دولت از طریق آن ها در مقابل جرم واکنش نشان می دهد. (لوسور، ژورژ، ۱۳۷۲: ۳۹۸)

سیاست جنایی یک رشته ی مطالعاتی مستقل در علوم جنایی را تشکیل می دهد و در انجام رسالت خود از یافته های رشته های دیگر علوم جنایی نیز بهره می گیرد و بدین ترتیب است که می توان گفت سیاست جنایی یک رشته ی مطالعاتی میان رشته ای است. (لارز، ۱۳۹۶: ۴۰)

ساختار سیاست جنایی شامل دو رکن عمده یعنی پدیده جنایی (بزه و انحراف) و پاسخ یا راه کار هیات اجتماع (دولت و جامعه مدنی) است که بر چهار عنصر یا رکن ثابت بزه، انحراف، پاسخ دولت و پاسخ جامعه مدنی استوار است. (می ری دلماس، مارتی، ۱۳۹۳: ۵۹)

سیاست جنایی، از یک سو بر آن است تا شدت و مخصوصا سلب کورکورانه حقوق محکومین به شیوه گذشته که کلا جنبه بیگانه و ناسازگار کننده فرد را دارد مردود اعلام کنند و از سوی دیگر، با در نظر گرفتن اوضاع و احوال تحرک اقتصادی، شرایط شخصی مجرم و محیط اجتماعی وی، را که یک نظام متفاوت از ممنوعیت ها یا محدودیت ها به وجود آورده و قادر به حمایت از بزه دیده گان اجتماعی و برخی فعالیت های اقتصادی یا حرفه ای است و هم خود مجرم را در مقابل برخی گرایش های و عاداتش حمایت نماید. (انسل، ۱۳۹۱: ۱۰۳)

رسالت و هدف سیاست جنایی در هر جامعه در واقع تضمین امنیت جانی، مالی و حیثیتی شهروندان، از یک سو و تامین امنیت نهادهای عمومی آن، از سوی دیگر است. (لارز، ۱۳۹۶: ۴۴)

در حقوق ایران، واژه ی سیاست جنایی در پایان دهه ۶۰ در بین حقوق دانان و جرم شناسان به کار گرفته شد و حقوق دانان با بحث در مورد مفهوم آن، این اصطلاح را در معنای موسع و اصطلاح سیاست کیفری را به عنوان مفهوم مضیق سیاست جنایی به کار بردند که تحقق اهدافی چون پیشگیری از جرم، سرکوب بزهکاری، اصلاح مجرمان، جبران خسارت از بزه دیدگان را دنبال می کند.

۴ - ساز و کارهای موثر در سیاست جنایی قضایی در اجرای مجازات حبس

آموزه ها و مفاهیم جدید علوم و سیاست جنایی، در سال های اخیر به طور فزاینده ای نظام قضایی را تحت تاثیر خود قرار داده و روش های سنتی را متحول ساخته اند، که یکی از این آموزه ها جرم زدایی می باشد.

جرم زدایی شامل فرآیندهایی است که به موجب آن، صلاحیت کیفری نظام کیفری برای اعمال ضمانت اجرا به منزله ی واکنشی نسبت به شکل خاصی از رفتار سلب می شود و ممکن است از رهگذر قانونگذاری با شیوه تفسیر قوه قضاییه از قانون انجام گیرد. (معاونت حقوقی و توسعه ی قضایی قوه قضاییه، ۱۳۸۴: ۱۰) جرم زدایی یکی از راهکارهای عقب نشینی حقوق کیفری تلقی می شود که آن را قانونگذار به گونه ی رسمی و قانونی یا قوه قضاییه و نهادهای مجری عدالت به شکل عملی انجام می دهند. (محمودی جانکی، ۱۳۸۷: ۳۲۴) که از راه کاهش عناوین مجرمانه، بر جمعیت کیفری زندانها و سیاست جنایی قضایی تاثیر گذار است.

از آموزه های جدید دیگر، کیفر زدایی می باشد. کیفر زدایی، زدودن کیفر از اعمال مجرمانه یا کاهش آثار آن است. و به منزله ی یکی از راهکارهای کاهش مداخله حقوق کیفری - در معنای وسیع خود ناظر به همه ی اشکال تراکم زدایی - در حوزه ی نظام کیفری است. از این رو از آن به «جرم زدایی ناقص» نیز تعبیر شده است. (نجفی ابرنآبادی و هاشم بیگی، ۱۳۷۷: ۷۷) کیفر زدایی از راه کاهش استفاده از مجازات حبس، جمعیت کیفری زندانها را تقلیل داده، ضمن کاستن از آثار منفی مجازات هایی مانند زندان، بر سیاست جنایی قضایی تاثیر می گذارد. (معاونت آموزش قوه قضاییه، ۱۳۸۸: ۸۸)

قضازدایی نیز یکی دیگر از آموزه ها و مفاهیم جدید سیاست جنایی تاثیر گذار در نظام قضایی می باشد. قضازدایی خارج ساختن عملیات مربوط به رسیدگی و حل و فصل دعاوی ناشی از جرم کیفری (که معمولا در صلاحیت مقامات قضایی است) از گردونه ی اقدامات رسمی است این قطع و فصل ممکن است به شیوه های گوناگون از قبیل: بازجویی پلیسی، میانجی گری، مصالحه و ... انجام گیرد. (صادقی، ۱۳۸۴: ۱۵۰) قضا زدایی بلافاصله به عنوان یک ابزار مفید تراکم زدایی از دادگاه ها مورد استفاده اهل علم قرار گرفت. (اقازاده، ۱۳۸۱: ۱۵)

ارجاع رسیدگی به جرایم قاچاق کالا و ارز به سازمان تعزیرات حکومتی که از سازمان های غیر قضایی و وابسته به قوه مجریه است یا ترغیب مردم به سازش در امور کیفری از راه شورای حل اختلاف می تواند نمونه ای از قضا زدایی تلقی شود البته صدور حکم در شورای حل اختلاف به لحاظ ماهیت شبه قضایی این شوراها، به طور کامل نمی تواند قضا زدایی محسوب گردد و شاید به جهت تبدیل مجازات حبس کوتاه مدت به جزای نقدی و اعمال تخفیفات پرشمار در شورای حل اختلاف مفهوم کیفرزدایی در شورای مذکور، بیشتر از مفهوم قضا زدایی مصداق داشته باشد. (معاونت آموزش قوه قضاییه، ۱۳۸۸: ۹۰)

بنابراین همانطور که مشاهده شد، یکی از اهداف و ساز و کارهای اجرای مجازات حبس ایجاد زمینه ی اصلاح مجرم در جهت جامعه پذیری و بازگشت به اجتماع و تقویت سرمایه اجتماعی در مجرم است. و مجازات واکنشی است که هیات جامعه به منظور اصلاح و تصفیه ی اخلاقی مجرم و ... وضع می کند. در واقع اصلاح و درمان بزهکار جز از

طریق باسازی آنها برای بازگشت دوباره به زندگی شرافت‌اندانه امکان پذیر نخواهد بود که برای رسیدن به این هدف اجرای مجازات حبس تا حدی می‌تواند راهگشا باشد.

۵ - تبیین رویکرد سیاست جنایی قضایی در اجرای مجازات حبس و کاهش جمعیت کیفری زندانها با تاکید بر دستورالعملها و آیین نامه های مصوب قوه قضائیه

سیاست جنایی به اقسام مختلف تقسیم می‌شود. یکی از این اقسام، سیاست جنایی قضایی می‌باشد. سیاست جنایی قضایی در واقع عملکرد دستگاه قضا و نحوه ی برداشت قضات از قانون و اجرای آن می‌باشد که در قالب رویه ها و آرای قضایی نمود پیدا می‌کند. به عبارت دیگر، تبلور سیاست جنایی تقنینی در دستگاه قضایی در قالب سیاست جنایی قضایی تبیین می‌شود و شامل مراحل اعمال و اجرای قانون می‌باشد که در قالب آراء و تصمیمات قضایی تجلی می‌یابد.

دکتر نجفی ابرندآبادی این نوع از سیاست جنایی را شامل سیاست جنایی انعکاس یافته در تصمیمها، آراء و رویه های قضایی می‌داند. (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۴: ۲۶۱) که در مفهوم وسیع تر علاوه بر آراء قضایی، رهنمودهای دستگاه قضا را نیز شامل می‌شود.

سیاست جنایی قضایی در پرتو اقدام ها و تصمیم های دادگاه ها و دادرها شکل می‌گیرد. چگونگی استفاده از اختیاراتی مانند اقتضاء داشتن تعقیب کیفری، تعویق صدور حکم، تعلیق تعقیب، تعلیق اجرای مجازات، آزادی مشروط، استفاده از جایگزین های حبس و ... تابع تصمیم ها و اقدامات قضات و دادگاه ها می‌باشد.^۱

هدف اصلی و اساسی سیاست جنایی قضایی، کاهش و کنترل بزه و جرم می‌باشد به عبارت دیگر « وظیفه ی اصلی سیاست جنایی در یک کشور عبارت است از کنترل بزهکاری آن کشور، یعنی مهار کردن در محدوده های قابل تحمل و در صورت امکان، تقلیل یک سلسله رفتارهای بسیار متنوع که شدیداً مانع پیشرفت و ترقی موزون یک جامعه شده، یا آن جامعه را محکوم به نوعی پس روی می‌کند یا حتی بقای آن را در معرض خطر قرار می‌دهد. (رمون گسن، ترجمه ابرندآبادی، ۱۳۹۱: ۲۷۹) از هنگام تولد حقوق کیفری تا اواخر قرن ۱۸ یعنی هنگام وقوع انقلاب‌های بزرگ اجتماعی و در پی آن تولد حقوق و سیاست کیفری مدرن و مدون، سیاست جنایی در مفهوم کلی خود و سیاست جنایی قضایی در مفهوم ویژه و خاص وجود داشته است ولی این سیاست و اتخاذ آن ناخودآگاه، ناروش مند و ناانظام مند بوده است. (گودرزی بروجردی، ۱۳۸۴: ۱۵)

سیاست جنایی در جوامع در گذشته مبتنی بر سزادهی بوده است بدین ترتیب که بزه کار را به مجازات و سزای اعمال خود محکوم می‌نمودند تا بدین طریق علاوه بر اینکه فرد مجازات می‌شد، از جرایم بعدی او هم پیشگیری شود و همین امر به مجرم کمک می‌کرد که دیگر مرتکب جرم نگردد. در ایران نیز مانند سایر جوامع سیاست جنایی مبتنی بر جرم انگاری بوده است. بررسی و تبیین این نوع سیاست در ایران، در جهت شناخت سیاست جنایی تقنینی، بوده و این شناخت امری ضروری به نظر می‌رسد، در این راستا، سیاست جنایی در طول دوران تقنینی، قضائی و اجرایی خود مبتنی بر جرم انگاری و سزادهی محض بوده است، که یکی از مهم ترین این مجازاتها در اجرایی کردن این نوع سیاست مجازات حبس بود که با مرور زمان و تراکم جمعیت کیفری زندانها با مشکلاتی از قبیل هزینه بر بودن زندان برای

^۱ برای مطالعه ی بیشتر رجوع شود به سیاست جنایی، دکتر علی حسین نجفی ابرندآبادی، مجموعه مقالات و سخنرانی های اولین همایش بین المللی بررسی راه های جایگزین حبس، انتشارات راه و تربیت، ۱۳۸۱، صفحه ۵۵۹ به بعد

دولت، پیامدهای ناگوار مجازات حبس بر زندانی و خانواده ی او، عدم موفقیت آن در رسیدن به هدف پیشگیری از تکرار جرم، عدم باز اصلاح پذیری محکومان به حبس و حتی در برخی موارد تبدیل مجرمین عادی به افراد بزهکار همراه بوده و همین امر باعث بروز نواقص و عدم موفقیت آن شد. زیرا محیط زندان جامعه ای سازمان یافته است که افراد مجرم را در کنار هم قرار می دهد و فرهنگ مشترک بزهکاری را در میان زندانیان ترویج می دهد. و چه بسا بسیاری از افراد که جرایم ساده ای را مرتکب شده اند و نیاز به زندانی شدن ندارند ولی با زندانی شدن، آنها در کنار مجرمینی قرار می گیرند که ممکن است تاثیر منفی روی آنها گذاشته و آنها را به بزهکاران حرفه ای تبدیل نمایند.

به اعتقاد برخی از نویسندگان حقوقی « زندان منافع ناچیزی برای جوامع در بر دارد و زندگی خانوادگی زندانیان را متلاشی می کند و در عین حال سودی به حال متضرر و زیان دیده از جرم ندارد. (زارعی، ۱۳۹۷: ۱۲۶) بنابراین مشکلاتی از این قبیل وبا گذشت زمان و افزایش جمعیت کیفری، باز دارنده نبودن مجازات حبس، سیستم قضایی جمهوری اسلامی ایران را بر آن داشت تا مجازات های جایگزین حبس را در دستور کار خود قرار دهد. (آشوری، ۱۳۸۵: ۴۸) مجازاتهایی که عاری از اثرات سوء زندان و در اصلاح و بازپروری اجتماعی مجرمان نیز نقش پر رنگ تری ایفا کند. از این رو، طرح اندیشه های جایگزین حبس و مکانیسم های کاهش جمعیت کیفری، به عنوان الگویی کارساز و هدفمند جهت برون رفت از این مشکلات مورد استفاده و ضمان عرصه سیاست جنایی قرار گرفت. در ایران سیاست جنایی قضایی متأثر از قانون و رویه قضایی ناشی از آراء دیوان عالی کشور، آراء وحدت رویه هیات عمومی دیوان عالی کشور، آراء دادگاه عالی انتظامی قضات، نظریات مشورتی اداره حقوقی قوه قضاییه، آیین نامه ها، بخشنامه ها و دستورالعمل های ریاست قوه قضاییه است. تا قبل از وقوع انقلاب اسلامی، در سیاست جنایی قضایی پیشرفت قابل توجهی در خصوص کاهش و تقلیل مجازات حبس به چشم نمی خورد و نوعی از سیاست جنایی قضایی افتراقی با تکیه بر آراء قضایی پراکنده و تصمیمات فردی قضات موجود بوده است. پس از پیروزی انقلاب اسلامی و در اوایل آن نیز سیاست جنایی قضایی با نوعی تند روی افراطی مواجهه شد. در این دوره شاهد نسخ قوانین سابق و شاهد صدور برخی آرای قضایی تند و به دور از عدالت قضایی بخصوص در مورد محکومان سیاسی و نحوه رسیدگی به جرایم مربوط به اعمال حکومتی گذشته و دارایی های زمامداران قبلی و موارد دیگر هستیم. که در آن سیاست کیفری بر سیاست جنایی پیشی گرفته بود و رفتارهای قضایی با پدیده ی مجرمانه، قهری تر از امروز بودند در نتیجه هم به نوعی قانونگذار به طور بی رویه از مجازات حبس استفاده می نمود و هم محاکم و قضات تحت تاثیر ین نوع سیاست کیفری بیشتر به مجازات حبس متوسل می شدند که مورد انتقاد فعالان حقوق بشر، نویسندگان، و سازمان های مردم نهاد بین المللی، قرار گرفت و با واکنش تند جامعه جهانی روبرو و منجر به صدور قطعنامه هایی در زمینه عدم رعایت حقوق بشر گردید، از این تاریخ به بعد است که صدور احکام اجرای مجازات حبس با تحقیق و دقت بیشتری همراه شده و با گذشت زمان و عدم موفقیت سیاست جنایی قضایی در کنترل جمعیت کیفری زندانها و آثار سوء آن و با عنایت به تاثیر سیاست جنایی بین المللی فراملی در خصوص کاهش مجازات حبس، اقدامات مختلفی از سوی قانونگذاران ما صورت گرفت. بر این اساس سیاست گذاران جنایی و مقامات قضایی، اقدام به تدوین و صدور آیین نامه ها، بخشنامه ها و دستورالعمل هایی نمودند که در آن بر صدور احکام مجازاتهای جایگزین حبس تاکید و این احکام را در دستور کار خود قرار داده که باعث تسهیل حبس زدایی می شد. هر چند آیین نامه ها و بخش نامه هایی که از سال ۱۳۷۸ رو به فزونی گرفت، توانست تا حدودی مشکلات مربوط به حبس را حل و جمعیت کیفری زندانها را کاهش دهد اما خود با مشکلات دیگری همراه بود که از مهم ترین این مشکلات، عدم تعادل در برخی موارد بین سیاست جنایی تقنینی و قضایی و

اجرای است. با مذاقه در آیین نامه های موجود در این زمینه پیداست که این نوع سیاست ها با هم همخوانی نداشته و، به جای حل مشکلات، همدیگر را خنثی می نمایند، همچنین در بسیاری از موارد شاهد عدم اجرای آنها از سوی قضات هستیم که تمایل آنها به صدور چنین احکامی بسیار کم و در نتیجه فقط بر روی کاغذ اجرا می شوند. که این موضوع خصوصاً در اجرای مجازات حبس نمود بیشتری پیدا میکند. که قانونگذار می تواند با مرتفع کردن این نوع مشکلات یک قدم به سوی عدالت کیفری نزدیکتر شود.

اما به طور کلی در این دوره تحولات سیاست جنایی قضایی در خصوص مجازات حبس به دو دسته تقسیم می شوند: الف- از سال ۱۳۷۸ تا سال ۱۳۹۲ و ب- سال ۱۳۹۲ تا کنون .

الف - دوره ی از سال ۱۳۷۸ تا ۱۳۹۲

قبل از سال ۱۳۷۸ دیدگاهی که در روسا و مدیران ارشد قوه قضائیه بوده است، متفاوت از دیدگاهی است که از سال ۱۳۷۸ ایجاد و تاکنون ادامه دارد و همان گونه که بیان کردیم در اوایل پیروزی انقلاب دستگاه قضا با یک تندروری افراطی همراه بود و فقدان برنامه ی مدیریتی مناسب در خصوص مجازات حبس نقضی آشکار در ارکان حکومتی ایران بود. در سال ۱۳۷۸ با انتصاب آیت الله هاشمی شاهرودی به سمت ریاست قوه قضائیه از سوی رهبری، تحولاتی در قوه قضائیه پدید آمد^۱. از جمله این تحولات تدوین برنامه جامع و عملیاتی اول و دوم توسعه ی قضایی، توجه به مفاهیم سیاست جنایی توسعه قضایی، احیای دادسراها در سراسر کشور و ... می باشد. (لطفی و همکاران، ۱۳۹۹، ۷) در این دوره، شاهد صدور آیین نامه ها، دستورالعمل ها و بخشنامه های متعدد و فراوانی از سوی قوه قضائیه هستیم. که این بخشنامه ها نیز همانند دیگر قوانین مصوب در تنظیم و ارائه ی سیاست های کلی دستگاه قضایی، بخصوص سیاست جنایی قضایی ایران در اعمال و اجرای مجازات حبس نقش مهمی ایفا کردند. (معاونت آموزش قوه قضائیه، ۱۳۸۸: ۹۱) اصلاح آیین نامه سازمان زندان ها در چندین مرحله، تدوین لوایح مختلف و ارائه آنها به مجلس، توجه به مفاهیم نوین علوم جنایی، تدابیر غیرکیفری، پیشگیری، کیفرزدایی، قضازدایی، جرم زدایی، مجازات های جایگزین و اصلاح و درمان مجرمین و محبوسین و نیز گسترش مشارکت مردمی از طریق شوراهای حل اختلاف و ستادهای پیشگیری و حفاظت اجتماعی، از دیگر اقداماتی است که بعد از سال ۱۳۷۸ توسط آیت الله هاشمی شاهرودی ارائه و پیگیری شد، که در عمل موجب تحولات عمیق و اساسی در نظام قضائی شده است. (مجتهدی، ۱۳۹۳: ش ۳۰)

بر همین اساس طی مراحل مختلف ریاست قوه قضائیه با توجه به اوضاع و شرایط جهت اصلاح شرایط و خیم و قوانین سخت زندان به منظور ارتقاء عدالت قضایی و حقوق زندانیان و محکومان به حبس در تاریخ های متعددی آیین نامه ها و دستورالعمل هایی را ابلاغ نمودند. یکی از این آیین نامه ها، آیین نامه نحوه تفکیک و طبقه بندی زندانیان در سازمان زندان و اقدامات تأمینی و تربیتی است که در سال ۱۳۸۴ تصویب و در قالب ۱۷ ماده توسط ریاست وقت قوه قضائیه ابلاغ می شود.

^۱ در خصوص دیدگاه و سیاست آیت الله شاهرودی در خصوص حبس زدایی و اقدامات وی رجوع شود به کتاب زندان هنر تنبیه یا مجازات قانونی، بررسی کارکردهای قضایی و اجتماعی زندان از دیدگاه ریاست معظم قوه قضائیه آیت الله هاشمی شاهرودی، معاونت امور اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم قوه قضائیه، مرکز مطبوعات و انتشارات، ۱۳۸۳

^۲ برای مطالعه ی بیشتر در خصوص این بخشنامه ها و آیین نامه ها رجوع شود به معاونت آموزش قوه قضائیه، سیاست جنایی ایران در اجرای مجازات سالب آزادی، تهیه و تدوین معاونت آموزش قوه ی قضائیه، ۱۳۸۸، صفحه ی ۹۲ به بعد

از مهمترین دستاوردهای این آیین نامه تفکیک و طبقه بندی زندانیان و تشکیل پرونده ی شخصیت برای مجرمان است که بر عهده واحد پذیرش و تشخیص می باشد. تشکیل پرونده شخصیت تاثیر بسزایی در اتخاذ تصمیم مناسب توسط مقامات قضایی برای صدور حکم مناسب، تعلیق تعقیب مجرم، تعلیق مجازات او و یا حتی در مراحل بعدی تاثیر در عفو مجرم داشت. همچنین طبقه بندی و جداسازی زندانیان از جمله تدابیر عدالت کیفری بود که دارای پیامدهای متعددی از حیث جرم شناسانه، مدیریتی و حقوقی بود و توانست اسباب بالا بردن بازدهی عملکرد عدالت کیفری در زمینه پاسخ دهی به زندانیان را فراهم آورد و علاوه بر آن پس از تفکیک و طبقه بندی زندانیان با مشاهده حسن سلوک و تاثیر برنامه های اصلاحی و با در نظر گرفتن استحقاق زندانی، حسب مورد آزادی مشروط، تعلیق و یا عفو های خاص و... را پیشنهاد نماید تا امر مهم حبس زدایی محقق شود.

اما متأسفانه علیرغم اهمیت و توفیق نسبی تشخیص و طبقه بندی زندانیان و عدم تدوین آیین نامه اجرایی جدید و عدم توجه به سازوکار و تشکیلات نهاد تشخیص و طبقه بندی مطابق با مقررات جدید قانون آیین دادرسی کیفری و بویژه سکوت و تعارض آیین نامه سال ۱۳۸۴ در بسیاری از موارد مورد انتظار در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ کارکرد این نهاد و به تبع آن کارکرد سایر نهادهای وابسته را با خلأهای جدی مواجه ساخته است. در ادامه و در جهت کاهش جمعیت کیفری زندان ها، آیین نامه دیگری جهت تخفیف و تبدیل مجازات در تاریخ ۱۶ / ۵ / ۱۳۸۷ ابلاغ که در اجرای بند ۱۱ از اصل ۱۱۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است. که برابر بند ۱۱ از اصل ۱۱۰ قانون اساسی یکی از وظایف و اختیارات رهبری، عفو و تخفیف مجازات محکومین در حدود موازین اسلامی پس از پیشنهاد قوه قضاییه می باشد. در جهت اجرایی کردن این حکم مقنن، آیین نامه های متعددی تحت عنوان آیین نامه کمیسیون عفو و بخشودگی و در نهایت آیین نامه ی کمیسیون عفو و تخفیف مجازات محکومین مصوب ۱۳۸۷ توسط رئیس قوه قضاییه تهیه و به اجرا گذاشته شده است. در اقدام بعدی و در مدت زمان کوتاهی (کمتر از ۴ ماه) آیین نامه ی دیگری (آیین نامه ی عفو و تخفیف مجازات محکومین) در مورخ ۱۲ / ۹ / ۱۳۸۷ به تصویب هیات مقامات قضایی رسید.

که این تغییر سریع و در مقایسه با موارد قبلی بسیار غیر عادی می نمود و دلیلی هم از سوی مقامات رسمی برای آن ذکر نشد. (صفاری و رضایی، ۱۳۹۱: ۳۱۸)

بر طبق ماده ی ۶ این آیین نامه اشخاص زیر می توانند درخواست عفو را پیشنهاد کنند:

- ۱- رئیس دادگستری مربوط.
- ۲- دادستان مربوط.
- ۳- قاضی ناظر زندان مربوط.
- ۴- رئیس زندان مربوط.
- ۵ - محکوم علیه.
- ۶ - خانواده و بستگان محکوم علیه.

واجدان شرایط عفو باید دارای حسن سلوک رفتار و اخلاق باشند و به اصول اسلام پایبند باشند تا واجد شرایط پیشنهاد عفو گردند. مقامات قضایی با اصلاح مکرر آیین نامه اجرایی سازمان زندان ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور، بخشنامه ها و دستورالعمل های مختلف در راستای حبس زدایی سعی در کاهش جمعیت کیفری زندانها داشته اند و همه ی این اقدامات در جهت کنترل ورود متهمان به زندان بوده است. اما به واقع باید گفت با وجود تحول شگرف و عمیق در نظام قضایی در این دوران، این اقدامات چندان موفقیت آمیز نبوده و ما در این دوران هنوز هم شاهد تراکم جمعیت کیفری

زندانها و استفاده از مجازات حبس به عنوان اصلی ترین و پرکاربردی ترین مجازات هستیم. اما چگونه است که با وجود این اقدامات و تصویب آیین نامه ها و بخشنامه های متفاوت هنوز این قبیل مشکلات وجود دارد. شاید یکی از دلایل همان گونه که قبلا بیان کردیم، عدم تعادل در برخی موارد بین سیاست جنایی تقنینی و قضایی و اجرایی، عدم هماهنگی بین اهداف مجازات و سیاست جنایی و تأثیرپذیری بیش از حد از فقه و عدم توجه به فرهنگ ایرانی و همچنین تأثیر پذیری قوه قضائیه از افکار عمومی می باشد.

ب - سال ۱۳۹۲ تاکنون

در سال ۱۳۹۲ قانونگذار ما با تصویب قانون مجازات اسلامی تحولات شگرفی را در قوانین جزایی ایران پدید آورد. با تصویب این قانون، نهادهای ارفاقی جدیدی در نظام عدالت کیفری پیش‌بینی شد. این نهادها با رویکرد ارفاقی برآن شدند، تا ضمن اعمال کیفر زمینه را برای بازسازی محکوم علیه فراهم آورند.

در این دوره در راستای کاهش جمعیت کیفری زندان، استفاده از نظریات پژوهشگران علوم کیفری قانونگذار تأسیسات حقوقی از جمله جایگزین مجازات حبس، تعویق صدور حکم، نظام نیمه آزادی، سیستم های الکترونیکی، اهتمام به مقوله توبه و قاعده درأ، تعدیل در صدور قرار های تأمین کیفری و حذف بازداشت موقت های الزامی در قوانین خاص به تصویب رسانید. که سیاست جنایی قضایی نیز به تأسی از آن در حال شکل گیری است.

همچنین قانون گذار در پی احتراز از آسیب های حاصل از حبس و ساختار زندان، با تصویب قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، فصلی را به مجازات های جایگزین حبس اختصاص داده است. (خاکسار و غلامی، ۱۳۹۷: ۱۳۱)

منظور از مجازات های جایگزین حبس، هر مجازاتی است که در قانون توسط قانون گذار به جهت رعایت مصلحت هایی برای محکوم له، محکوم علیه و نظام قضائی پیش بینی شده است. (زارعی، ۱۳۹۷؛ حاجی تبار فیروزجائی و علی صفاری، ۱۳۹۳: ۸۳) جایگزین حبس که از آن با عنوان مجازات های غیر سالب آزادی نیز یاد می شود، به معنای استفاده از هر نوع ضمانت اجرایی است که در خارج از محیط زندان اعمال شود. (اوزنور سودیرن، ۱۳۹۶: ۳۰)

سیاست جنایی ایران، با وضع قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ و اختصاص فصل های پنجم تا نهم این مجموعه به مجازات های جایگزین حبس به پیروی از سیاست های کلی نظام و الهام از آموزه های جدید، درصدد اصلاح و درمان مجرمین و بازاجتماعی کردن آنها و پرهیز از اندیشه و تدابیر سزادهی و سرکوب گری صرف برآمده است. استفاده از مجازاتهایی به عنوان جایگزین حبس پس از انقلاب اسلامی و در طی سالیان اخیر رشد قابل توجهی داشته و در آخرین اراده قانونگذار در سال ۹۲ و در قانون مجازات اسلامی و قانون کاهش مجازات حبس تعزیری سال ۹۹، توجه ویژه ای به استفاده از مجازات های جایگزین حبس به جای حبس شده است. معمولا وقتی سخن از این نوع جایگزین ها می شود، عفو، جزای نقدی، جزای نقدی روزانه، تعلیق مجازات و محرومیت از حقوق اجتماعی مورد توجه قرار می گیرند که چه در قوانین قبل از سال ۹۲ و چه در قانون مجازات ۱۳۹۲ مورد توجه قرار گرفته اند. در این مجازات ها اصولا توجه بیشتر بر ناتوان سازی محکوم با ایجاد کمترین محدودیت برای او نسبت به حبس می باشد.

استفاده از برنامه های جایگزین حبس می بایست در جهت تعدیل حبس سنجیده و نیز مبتنی بر رعایت اصل تناسب باشد. (محمدی زاده کرمانی و همکاران، ۱۳۹۵: ۶۶) به طور کلی در این دوره با نگاهی به سیاستهای کلی نظام در امور قضایی و قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و نیز بخشنامه ها و دستورالعمل های پیاپی رؤسای قوه قضائیه در دوران اخیر در رابطه با ضرورت کاهش استفاده از مجازات حبس میتوان حبس زدایی را به عنوان یکی از مهمترین سیاستهای

کلان و راهبردی قضایی ایران دانست. (صادقی و حبیب زاده، ۱۳۹۹: ۶۸) و بدین ترتیب هدف سیاست دستگاه قضایی این است که حتی الامکان از مجازات‌های حبس کمتر استفاده شود و طرح‌های جایگزین حبس معرفی گردد. سیاست جنایی قضایی ایران در راستای کاهش جمعیت کیفری زندانها اقدامات مختلفی را انجام داده و دستورالعمل‌ها و قوانین مختلفی را به تصویب رسانیده است. که از جمله در شهریور ۱۳۹۵ نیز در اجرای سیاست‌های کلی قضایی در زمینه حبس زدایی، «دستورالعمل ساماندهی و کاهش جمعیت کیفری زندانها» با امضای رئیس قوه قضائیه ابلاغ شد. عدم معرفی معتادان به زندان‌ها، پذیرش بیمه نامه به عنوان وثیقه، رسیدگی خارج از نوبت به پرونده‌های زندانی دار و طرح‌های جدیدی از قبیل معافیت از کیفر، تعویق صدور حکم، مجازات‌های جایگزین و تغییر شرایط آزادی مشروط از مهم‌ترین ویژگی‌های این دستورالعمل در زمینه ی حبس زدایی و کاهش جمعیت کیفری زندان‌ها بود که این دستورالعمل در اجرا چندان موفق نبودند.

در اقدامات بعدی قوه ی قضائیه در اجرای بند ۶۴ سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه و مقررات قانون آیین دادرسی کیفری و قانون مجازات اسلامی در زمینه حبس زدایی، «دستورالعمل ساماندهی زندانیان و کاهش جمعیت کیفری زندان‌ها» را ابلاغ کرد. این دستورالعمل که جایگزین دستورالعمل ساماندهی زندانیان و کاهش جمعیت کیفری زندان‌ها مورخ ۱۳۹۵/۶/۲۳ رئیس قوه قضائیه است، در ۲۹ ماده و ۲۳ تبصره در تاریخ ۳۱ / ۵ / ۱۳۹۸ به تصویب رئیس قوه قضائیه رسیده است. از مهم ترین دستاورد های این دستورالعمل این بود، که باید با استفاده از ظرفیت‌های قانونی در خصوص قرارهای تأمین کیفری و مجازات جایگزین حبس، تا حد امکان از ورود افراد کمتر از ۱۸ سال سن، افراد فاقد پیشینه کیفری و زنان به زندان جلوگیری شود همچنین استفاده از مجازات‌های جایگزین حبس در صدور آرای صادره کیفری حداقل به میزان ۱۵ درصد آراء صادره، تعیین ضرب‌الاجل برای رسیدگی به درخواست‌های آزادی مشروط زندانیان، نیز از جمله ویژگی‌های مهم دستورالعمل جدید ساماندهی زندانیان و کاهش جمعیت کیفری است.

پس از آن نیز قوه ی قضائیه در راستای ماده ی ۵۵۷ قانون آ. د. ک در تاریخ ۴ / ۲ / ۱۳۹۸ «آیین نامه نحوه اجرای قرار تعلیق اجرای مجازات، آزادی مشروط، قرار تعویق صدور حکم، نظام نیمه آزادی و آزادی تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی و مجازات‌های جایگزین حبس» را با هدف تسهیل اجرای مجازات جایگزین حبس به تصویب می رساند و سپس در راستای اتخاذ تدابیر لازم در استفاده از مجازات زندان با هدف کاهش جمعیت کیفری زندانها و حبس زدایی، بخشنامه پایش و غربالگری زندانیان مصوب ۱۰ / ۸ / ۱۳۹۹ به تصویب می رسد. در این بخش نامه به زندانیان واجد شرایط مثل زندانیانی که به علت بیماری توانایی تحمل حبس را ندارند یا زندانیانی که ملاقات کننده ای ندارند و یا کسانی که شرایط لازم برای برخورداری از تخفیف و تعلیق مجازات، آزادی مشروط و ... را دارند بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرند. در آخرین اقدام قانونگذار در اجرای سیاست جنایی - تقنینی و در راستای کاهش جمعیت کیفری زندانها مبادرت به تصویب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری در سال ۱۳۹۹ نمود.

این قانون که در واقع انقلاب تقنینی در حوزه کاهش مجازات حبس ایجاد کرد، در جهت کاستن از اثرات سو زندان بالاخص در حبس‌های کوتاه مدت و همچنین کاهش جمعیت کیفری زندان‌ها وضع گردیده و حاوی رویکرد‌های تخفیفی مثل توسعه ی جرایم قابل گذشت، تسهیل اعمال نهادهای تخفیفی، توسعه دامنه اعمال تعلیق اجرای مجازات، گسترش نظام نیمه آزادی و ... می باشد. (اسفندیار و پالیزیان، ۱۳۹۹: ۱۹) قانونگذاران ما با سیاست‌های کلی ابلاغی خود بر لزوم حبس زدایی تأکید دارند و قوه قضائیه در راستای کاهش جمعیت کیفری زندانها و در واقع حبس زدایی به وسیله صدور بخشنامه‌ها و آیین نامه‌ها و دستورالعمل‌ها همت گمارده اند و در این مسیر با وجود موفقیت‌ها و

پیشرفت هایی که داشته اند اما با چالش ها و ابهامات فراوانی از قبیل شناخت ناکافی قضات از مجرمان، عدم توجه به تجربیات و تحقیقات موفق که در سایر کشورها انجام شده، عدم شناسایی و ریشه یابی مشکلات و معایب و همچنین بی توجهی به مکانی که جرم در آن واقع شده همراه بوده و نیاز به آسیب شناسی جدی دارند.

۶- آسیب شناسی سیاست جنایی قضایی ایران در اجرای مجازات حبس با نظر به تدوین دستورالعملها و آیین نامه ها

با وجود ابلاغ و تصویب دستورالعملها و آیین نامه های مکرر در زمینه ی حبس زدایی و در راستای کاهش جمعیت کیفری زندان ها حال این سوال مطرح می باشد که چه مشکلی وجود دارد که با وجود فرهنگ و حقوق کیفری بسیار غنی اسلامی - ایرانی و تلاشهای مکرر هنوز در مراحل ابتدایی امر مهم حبس زدایی درگیر هستیم؟ و آیا دیدگاه قوه قضائیه که در قالب دستورالعمل یا بخشنامه متبلور می شود به نوعی سیاست جنایی تقنینی محسوب نمی شود؟ پاسخ مسأله منفی است چرا که سیاست جنایی تقنینی نگرش قانونگذار به پدیده مجرمانه بوده و بخشنامه ها و آیین نامه ها صادره از رئیس قوه قضائیه نوعی سیاست قضایی شمرده می شود که ممکن است موجب تغییر دیدگاه و نگرش قضات به جرم و مجازات گردد. بنابراین دستورالعملها و بخشنامه ها و آیین نامه ها ارشادی بوده و ماهیت غیر الزام آوری برای قضات دارند، لیکن از همین باب برخی از قضات در جهت حاکمیت قانون به این گونه آیین نامه و بخشنامه ها عمل ننموده و فقط نگاه به قانون داشته و متاسفانه آیین نامه ها و بخشنامه ها جز در موارد محدود عملیاتی و اجرایی نمی شوند. بنابراین ممکن است برخی از قضات به این امور ارشادی جهت حبس زدایی عمل نمایند.

همچنین در بسیاری از موارد، ما شاهد عدم اجرای این آیین نامه ها و بخشنامه ها در عمل هستیم به عبارتی این بخشنامه ها و آیین نامه ها صرفاً روی کاغذ تصویب می شوند و در عمل موفقیت چندانی ندارند. شاید یکی از علل بروز این مشکلات، عدم وجود نظارت کافی بر روی اجرای این آیین نامه ها و بخشنامه ها باشد. بنابراین به نظر می رسد، اگر قانونگذار بر روی اجرای آنها تأکید می نمود و یا نهادی نظارتی را به وجود می آورد، این آیین نامه ها و بخشنامه ها تأثیر گذارتر و مفیدتر بودند. بخصوص در شهرهای کوچک که بعضاً اتفاق می افتد مجرم و قاضی همدیگر را می شناسند و این مورد می تواند در صدور حکم بر روی قاضی تأثیر گذار باشد یا در مواردی که مجرم به قاضی رشوه می دهد. گویی که برای سیاست گذاران نظام قضایی، حبس زدایی در حد نظری مطلوب است و عملیاتی کردن آن، جذابیت چندانی برایشان ندارد.

یکی دیگر از موارد عدم موفقیت سیاست جنایی قضایی در خصوص اجرای مجازات حبس، تصویب آیین نامه های مکرر و متفاوت و بعضاً متعارض می باشد. قوه قضائیه در طول دوره ی کوتاهی، آیین نامه های متفاوتی را به تصویب می رساند که فراوانی این آیین نامه ها و دستورالعملها، نشان از عدم موفقیت آنها دارد. در برخی موارد این آیین نامه ها بدون توجه به رفع کاستی های آیین نامه ی قبلی صادر می گردند.

^۱ مثل آیین نامه اجرایی سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور مصوب ۱۳۸۰، آیین نامه کمیسیون عفو، تخفیف و تبدیل مجازات مصوب ۱۳۸۷، دستورالعمل ساماندهی و کاهش جمعیت کیفری زندانها مصوب ۱۳۹۵ - ۱۳۹۸، آیین نامه نحوه اجرای تعلیق اجرای مجازات - آزادی مشروط - قرار تفویض صدور حکم - نظام نیمه آزادی آزادی تحت نظارت سامانه الکترونیکی و جایگزین های حبس ۹۸/۲/۴، دستورالعمل طرح پایش و غربالگری زندانیان مورخ ۱۳۹۹/۸/۱۰ و در آخر قانون کاهش مجازات های حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹

همچنین از دیگر مشکلات، عدم هماهنگی بین سیاست جنایی تقنینی، قضایی و اجرایی می باشد. آنچه که توسط قانونگذاران تصویب می گردد باید در مرحله ی اجرا، رسیدگی و صدور حکم نیز دنبال شود ودر اجرای احکام نیز هماهنگ با همان سیاست اقدام شود. که متأسفانه در کشور ما این هماهنگی و انسجام در برخی موارد وجود ندارد. برای مثال در قوانین موجود نسبت به جرایمی مثل جرایم مربوط به مواد مخدر سخت گیری بیشتری وجود دارد اما در مرحله ی رسیدگی و صدور حکم معمولاً نوعی اغماض خارج از قانون مشاهده می شود و در مرحله ی اجرا نیز با اعطای جایگزین های حبس و یا اعطای مرخصی های مکرر، سخت گیری اولیه معنای خود را از دست می دهد. قانون گذار ما نه چندان اعتماد به نفس دارد که با اقتدار وفاداری خود را به بنیان نظام عدالت مطلقه نشان دهد و حول محور نگاه سنتی از ابزار سرکوب، مجازات، ارباب، عدالت جویی حرکت نماید و نه این که می تواند با نگاه درمانگر و پیشگیرانه و همسو با جامعه ی بین المللی در مسیر کاهش مجازات حبس پیش رود. بنابراین شایسته است قانونگذار ما با تدوین سیاست جنایی مناسب تعارض های موجود را برطرف نماید و در هماهنگی سیاست جنایی تقنینی، اجرایی و قضایی گام موثر بردارد.

گاهی اتفاق می افتد که آیین نامه ها و دستورالعمل ها و بخشنامه هایی که صادر می شوند درست اجرا نمی گردند و این امر بخصوص در شهرهای کوچک مشهود تر است در صورتی که میزان جرم در برخی شهرهای کوچک چشمگیر می باشد. به عنوان مثال در سال ۱۳۸۴ آیین نامه نحوه تفکیک و طبقه بندی زندانیان در سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور را به تصویب رساند که همان گونه که قبلاً بیان شد، یکی از مهم ترین دستاوردهای این آیین نامه، تشکیل پرونده ی شخصیت برای متهمان و محکومان بود و درخصوص اجرایی کردن این آیین نامه و در راستای اصل فردی کردن مجازات، تشکیل پرونده ی شخصیت در جرایم مهم که در صلاحیت محاکم کیفری یک می باشد و جرایم مهم ارتکاب یافته توسط اطفال در مواد ۲۰۳ و ۲۸۶ قانون آیین دادرسی کیفری پذیرفته شده، اما این پرونده در واقع می بایست منعکس کننده عواملی باشد که در تکمیل شخصیت افراد بخصوص اطفال موثر بوده و دلیلی که وی را به سوی بزهکاری سوق داده مشخص باشد، اما در عمل آنچه را که می بینیم فقط پرونده ای است با ذکر مشخصات فردی که هیچ کمکی به دادگاه و متهم نمی کند. بنابراین باید گفت ضرورت دارد این پرونده ی شخصیت با اهداف ذکر شده به صورت کامل و جامع و در روزهای نخستین دسترسی به متهم در تمامی جرایم تشکیل شود.

باید گفت گفتمان سیاست جنایی تقنینی در همه ی زمینه ها و ابعاد، در قوه ی قضاییه داسراها و دادگاهها یکسان دریافت و اجرا نمی شود، بلکه مراجع قضایی هر یک ممکن است درک و برداشت متنوع و گوناگونی از آن داشته باشند. از این رو، به تعبیر برخی جرم شناسان، می توان نسبی بودن سیاست های جنایی تقنینی در زمان را در برابر نسبی بودن سیاست های جنایی قضایی در زمان و مکان قرار داد (نجفی ابرنآبادی، ۱۳۸۴: ۲۶۱).

بنابراین بهتر است منبع و مرجعی برای یکسان سازی این آیین نامه ها در سطح کشور و تمام دادگاه ها و داسراها باشد و به آموزش قضات برای چگونگی اجرای این آیین نامه ها و دستورالعمل ها بپردازد. همچنین برخی از قضات هنوز با دید سنتی در خصوص خطاکار عمل می نمایند و اعتقاد به اجرای مجازات و تنبیه خطاکار دارند و بنابراین تدوین برخی از این آیین نامه ها و بخشنامه ها بخصوص در مورد کاهش مجازات حبس با استقبال آنها روبه رو نمی شود و به عبارت دیگر اعمال کاهش حبس را در رای این قضات کمتر مشاهده می کنیم. نمی توان منکر نقش قاضی و قضات دادگستری در موفقیت یا عدم موفقیت سیاستهای جنایی در هر کشوری شد. این قضات هستند که قوانین تدوین شده را به آیینی ی

عمل و اجرا می گذارند. در واقع، اجرای حکم دارای قواعد مهم و بعضاً پیچیده‌ای است که افراد عادی و فاقد سمت قضایی و دانش حقوقی توان و صلاحیت اجرای آن را ندارند.

علاوه بر قضات، هنوز نگرش خیلی از مردم جامعه ی ما به سوی تنبیه و سزادهی خطاکار می باشد. هر چند، قانونگذار ما متأثر از تحولات و رویکردهای بین المللی پیرامون زندان و معایب آن و به تبع کاستن از جمعیت کیفری زندانیان و کاستن معایب زندان، گام برداشته است، اما کارآمدی این تدابیر در ایران، قبل از هر چیز، نیازمند بسترسازی حقوقی و از همه مهم تر فرهنگ سازی قضایی و اجتماعی است.

در آخر باید گفت در طی سالهای اخیر در خصوص مجازات حبس حرکت جامعه ی بین المللی به سوی زندان زدایی و کاهش مجازات حبس می باشد زندان زدایی به یکی از مباحث مهم حقوق بشر و نظام های بین المللی تبدیل شده است و ایران نیز همگام با سازمان های بین المللی گام هایی در این راه برداشته اما موفقیت چندانی در این را کسب نکرده است. بهتر است قانونگذار ما به بررسی دلایل این عدم موفقیت بپردازد در کشور ما اکثر جرائم بدلیل فقر مالی بی خانمان بودن و از این قبیل پیش می آید و فردی که از فقر مالی رنج میبرد زندان برای او مجازات نیست بلکه بهترین مکان خواهد بود چون از آوارگی بهتراست و به هر ترتیب سعی میکنند وارد زندان شوند اما برای دولت هزینه های هنگفتی خواهد داشت برای مجرم نیز جنبه ی بازدارندگی و کیفری نخواهد داشت بنابراین این قبیل جرائم را مدیریت نماید و در وهله ی اول باید کشور با ایجاد اشتغال از بروز چنین مشکلاتی جلوگیری نماید، قبل از اینکه فرد وادار به ارتکاب جرم شود به یاری او برسد و اگر فرد مجرم شناخته و به زندان افکنده شد از جایگزینهایی استفاده نماید که به رفع فقر مالی او کمک کند بنابراین فقط تدابیری باید اتخاذ گردند که از نظر دادگاه و حتی محکوم علیه نسبت به زندان ارجح باشد و متضمن رنج و مشقت کمتر و حمایت بیشتر از محکوم علیه باشند و امکانات بازسازی و حتی ارتباط محکوم با جامعه و حفظ حقوق وی را فراهم نماید.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

با توجه به مطالب فوق می‌توان به این نتیجه رسید که سیاست جنایی قضایی ایران در اجرای مجازات حبس در طول ادوار گذشته تا کنون با فراز و نشیب‌هایی مواجه بوده است. در اوایل سیاست جنایی قضایی متکی بر حبس گرای بود، اما با گذشت زمان و بروز مشکلاتی نظیر تحمیل هزینه ساخت و نگهداری زندانیان برای دولت، مشکلاتی برای جامعه و خانواده‌ها و به تبع فرد زندانی شد که این خود موجبات تحول در سیاست جنایی را به وجود آورد و سیاست جنایی گرایش به سوی حبس زدایی پیدا کرد، در همین راستا در طول سالهای مختلف از سوی دست اندرکاران و مقامات قضایی ما بخش نامه‌ها، آیین نامه‌ها و دستورالعمل‌های متفاوتی صادر شد، این آیین نامه‌ها و دستورالعمل و بخشنامه‌ها که با تاسی از فقه و حقوق اسلام صادر می‌شد همگی در جهت کاستن از جمعیت کیفری زندانها و در جهت تحقق اهداف حبس زدایی بوده است و بنابراین بر هدف سیاست جنایی قضایی که همان حبس زدایی است را تا حدودی جامعه‌ی عمل پوشانید، این آیین نامه‌ها در عمل با چالش‌ها و موانع و کاستی‌های فراوانی روبه‌رو بودند. یکی از این موارد این است که این دستورالعملها و بخشنامه‌ها و آیین نامه‌ها ارشادی بوده و ماهیت غیر الزام‌آوری برای قضات دارند، لیکن از همین باب برخی از قضات در جهت حاکمیت قانون به این گونه آیین نامه و بخشنامه‌ها عمل ننموده و فقط نگاه به قانون داشته و متاسفانه آیین نامه‌ها و بخشنامه‌ها جز در موارد محدود عملیاتی و اجرایی نمی‌شوند. از دیگر موارد عدم هماهنگی بین سیاست جنایی تقنینی و سیاست جنایی قضایی و اجرایی می‌باشد. فقدان هماهنگی و هم‌سوئی بین انواع سیاست جنایی می‌تواند موجب بروز مشکلات فراوان، آسیب‌ها و موانع تحقق اجرای عدالت و به تبع آن حاصل نشدن موفقیت در بحث سیاست جنایی قضایی باشد بنابراین بهتر است ابتدا بین این انواع سیاست جنایی، هماهنگی برقرار شود همچنین در سالهای اخیر، بیشتر این آیین نامه‌ها، دستورالعمل‌ها و بخشنامه‌ها که در نظام قضایی ما صادر شده در جهت کنترل ورود متهمان به زندان بود و نه در جهت پیشگیری از جرم و به تبع آن مجازات به حبس، بنابراین در خصوص ورود متهمان و محکومان به زندان تا حدودی موفق عمل نموده ولی در خصوص پیشگیری از جرم باید گفت موفق نبوده است. هنوز شاهد سیر پرونده‌های بسیار به دستگاه قضا هستیم. یکی دیگر از موارد عدم موفقیت آن متاثر بودن این آیین نامه‌ها و دستورالعمل‌ها از فقه و نظرات فقها می‌باشد. شاید این تاثیر در سالهای قبل موثر بوده ولی باید پذیرفت که امروزه دید و نگرش جامعه تغییر کرده و این نگرش فقها کمتر بر جوانان ما تاثیر می‌گذارد بنابراین شاید بهتر باشد دید و نظر مقنن نیز همسو با جامعه تغییر پیدا کند. و در آن به فرهنگ غنی ایرانی توجه شود، تلفیق فرهنگی اسلامی - ایرانی می‌تواند راهگشا باشد. علاوه بر موارد فوق، مواردی نظیر فراوانی آیین نامه‌های مصوبه، عدم اجرای درست و شاید عدم نظارت بر اجرای آنها، نگرش برخی قضات به مجازات حبس و گاه نگرش جامعه به حبس و اجرای مجازات از دیگر مواردی است که اجرای مجازات حبس و هدف آیین نامه‌ها و دستورالعمل‌ها را با مانع روبه‌رو نموده است که در این پژوهش به آنها اشاره شد.

در همین راستا در پایان پیشنهادهایی به شرح زیر ارائه می‌گردد:

یکی از مواردی که پیشنهاد می‌گردد استفاده از نظرات متخصصان، قضات باتجربه، حقوقدانان و استادان حوزه‌ی حقوق جزا در تصویب آیین نامه‌ها و بخشنامه‌ها و رفع نواقص موجود در آنها می‌باشد.

سیاست جنایی قضایی کشور به تاسی از سیاست جنایی تقنینی «قانون کاهش مجازات حبس تعزیری» در راستای کاهش تورم جمعیت کیفری زندان و حبس زدایی از معیار خاصی تبعیت نمی‌کند در این راستا پیشنهاد می‌گردد به انسجام قوانین در این مهم همت گمارد و تمام قوانین مربوط حبس زدایی را جمع‌آوری کرده و از پراکندگی در خود قانون یا قوانین دیگر پرهیز نماید.

از جمله معضلات امروزه ی اجتماع ما ورود نوجوانان به مقوله ی بزهکاری و جرم می باشد و هر روزه شاهد ارتکاب جرم توسط نوجوانان می باشیم چه بسا نوجوانانی مرتکب خطا شده اند اگر درست هدایت شوند به افراد مفیدی برای جامعه در آینده تبدیل شوند بنابراین پیشنهاد می گردد در وهله ی اول به ایجاد مراکزی که با فرهنگ ایرانی عجین شده برای ارشاد این دسته نوجوانان همت گماشته و توسعه داده شود و در مرحله ی بعد تا حد امکان از ورود آنها به کانون اصلاح و تربیت جلوگیری شود و از جایگزین های حبس متناسب با سن آنها استفاده شود و دست قضات در این خصوص بازتر گذاشته شود. همچنین با توجه به اینکه داشتن سوء پیشینه در کشور ما خیلی اهمیت دارد و جوانان برای استخدام در مشاغل دولتی و حتی برخی شرکتها خصوصی بایستی سابقه ی کیفری نداشته باشند بهتر است قانونگذار ما در خصوص جوانان ملایم تر برخورد کند و سیاست کیفری در این خصوص طوری باشد که به زندگی آینده ی آنان و مراحل موفقیتشان لطمه ای وارد نسازد.

همچنین پیشنهاد دیگر تصویب قوانینی برای اجرای آیین نامه ها و ایجاد نهادهای اجرایی مناسب و گسترده در سطح کشور می باشد و یا استفاده گسترده تر از ریش سفیدان و صلح و سازش از افراد، برای حل مسائل و اختلافات محلی و خانوادگی در محاکم قضایی خصوصا در شهرهای کوچک که نزاع های محلی در آنها زیاد است.



۱. اسفندیار ایمان، پالیزبان حمیدرضا. (۱۳۹۹). تخفیف مجازات در آیین قانون کاهش حبس تعزیری. کنفرانس بین المللی فقه، حقوق، روانشناسی و علوم تربیتی در ایران و جهان اسلام، شهر یور.
۲. اوزنور سودیرن. (۱۳۹۶). جایگزین های حبس در انگلستان و ولز، آلمان و ترکیه. ترجمه دانش ناری حمید رضا و صفای آتسگاه حامد، معاونت توسعه مدیریت و منابع اداره کل آموزش و پژوهش، میزان.
۳. آشوری محمد. (۱۳۸۵). جایگزین های زندان یا مجازات های بینابین. چاپ دوم. تهران: نشر گرایش.
۴. آقازاده علیرضا. (۱۳۸۱). سیاست جنایی تقنینی ایران در قلمرو جرایم قاچاق گمرکی. پیک سبحان.
۵. جعفری لنگرودی، محمد جعفر. (۱۳۷۴). ترمینولوژی حقوقی. تهران: انتشارات گنج دانش.
۶. حاجی تبار فیروزجائی حسن و علی صفاری. (۱۳۹۳). مجازات های جایگزین حبس در حقوق کیفری ایران. فردوسی.
۷. خاکسار داوود و غلامی حسین. (۱۳۹۷). سیاست جنایی قضایی ایران در رابطه با مجازاتهای جایگزین حبس. پژوهش های حقوق جزا و جرم شناسی، شماره ۱۱ بهار.
۸. خوش زبان، حسین. (۱۳۹۷). جایگاه مجازات های جایگزین حبس. تهران: انتشارات شهبازی.
۹. کریستین لازرژ. (۱۳۹۶). درآمدی بر سیاست جنایی. برگردان علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران: نشر میزان.
۱۰. دهخدا علی اکبر. (۱۳۷۷). لغت نامه دهخدا. تهران: دانشگاه تهران.
۱۱. رمون گسن. (۱۳۷۱). بحران سیاستهای جنایی کشورهای غربی. ترجمه نجفی ابرند آبادی علی حسین، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۱۰، بهار و تابستان.
۱۲. زارعی جواد. (۱۳۹۷). جایگزین حبس در حقوق کیفری ایران. تهران: انتشارات موسسه فرهنگی انتشاراتی آفتاب گیتی.
۱۳. صادقی محمد ادی. (۱۳۸۴). قضازدایی در حقوق جزای اسلام. مجله ی تخصصی الهیات و حقوق، شماره ۱۵ و ۱۶، بهار و تابستان.
۱۴. صادقی ولی اله و حبیب زاده محمد جعفر. (۱۳۹۹). ناهمسویی های قانونی با سیاست کیفرزدایی در ایران. فصلنامه ی سیاست های راهبردی کلان، شماره ۱، بهار.
۱۵. صفاری علی و رضایی بهناز. (۱۳۹۱). تحلیلی بر آیین نامه ی کمیسیون عفو و تخفیف مجازات محکومین مصوب ۱۲ / ۹ / ۱۳۸۷ در مقایسه با آیین نامه ی کمیسیون عفو و تخفیف مجازات مصوب ۱۶ / ۵ / ۱۳۸۷. نشریه تحقیقات حقوقی، شماره ۵۷، بهار.
۱۶. صفاری علی. (۱۳۸۶). کیفر شناسی (تحولات مبانی و اجرای کیفر). تهران: جنگل.
۱۷. صفاری، علی. (۱۳۹۵). کیفرشناسی، تحولات، مبانی و اجرای کیفر سالب آزادی، بر اساس دادرسی کیفری و قانون اجرای محکومیت های مالی. تهران: انتشارات جنگل.
۱۸. گودرزی پروجردی محمدرضا. (۱۳۸۲). تاریخ تحولات زندان. تهران: نشر میزان.

۹۹. گودرزی بروجردی محمدرضا. (۱۳۸۴). سیاست جنایی قضایی، معاونت حقوقی و توسعه قضایی قوه قضاییه. قم: انتشارات سلسبیل.
۱۰۰. لطفی سمیه، کنعانی محمد علی، کردعلیوند روح الدین. (۱۳۹۹). بررسی سیاست جنایی قضایی و اجرایی ایران در قبال مجازات جایگزین حبس. نخستین کنفرانس ملی حقوق، فقه و فرهنگ، آبان.
۱۱. لواسور ژورژ. (۱۳۷۲). سیاست جنایی. ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۱۱ و ۱۲.
۲۲. مجتهدی یوسف. (۱۳۹۳). سیاست های جنایی. پیام آموزش، شماره ۳۰.
۲۳. محمدی زاده کرمانی نژاد، مجتبی، بوستانی فرشته، زینب، شکری پور، یاسر. (۱۳۹۵). مجازات های جایگزین، فصل نوبنی از نظام اعمال کیفر در سیاست های جنایی ایران. تهران: انتشارات موجک.
۴۴. محمودی جانکی فیروز. (۱۳۸۷). جرم زدایی به منزله یک تغییر. فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۱، بهار.
۵۵. معاونت حقوقی و توسعه ی قضایی قوه قضاییه. (۱۳۸۴). عملکرد پنج ساله نخست و برنامه جامع عملیاتی دوم توسعه ی قضایی. تهران: نشر سلسبیل.
۶۶. معین، محمد. (۱۳۸۷). فرهنگ فارسی معین. تهران: انتشارات میلاد.
۷۷. نجفی ابرندآبادی، علی حسین. (۱۳۸۴). سیاست جنایی، علوم جنایی. گزیده مقالات آموزشی کمیته مبارزه با مواد مخدر ایران و سازمان ملل متحد، جلد دوم، نشر سلسبیل، چاپ اول.
۸۸. نجفی ابرندآبادی علی حسین و هاشم بیگی حمید. (۱۳۷۷). دانشنامه جرم شناسی. تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

Iran's Judicial Criminal Policy in execution of imprisonment with Emphasis on Approved Instructions and Regulations by the Judiciary

Abstract

With regard to the approved instructions and regulations by the judiciary in Iran's Judicial Criminal Policy, Execution of imprisonment can be considered as one of its most important achievements, which has been accompanied by developments in reducing the criminal population and facilitating imprisonment, and to some extent, it has been solved the problems related to imprisonment and deprivation and has been reduced the criminal population and has promised the legislator's determination in implementing this policy. Despite these positive actions, the implementation of this type of policies has been accompanied by deficiencies and shortcomings and in some cases we see the reluctance of judges to implement it, or the issuance of some of these regulations and instructions, instead of supplementing the previous regulations and instructions, they neutralize each other or sometimes do not agree with each other. This inconsistency has caused disorder and confusion among judges, meanwhile the attitude of some judges and the view of the majority of society are based on the punishment of criminal. In this article, while investigating the objections and obstacles by examining the instructions and regulations for the execution of imprisonment, we try to analyze the votes issued in this regard.

Keywords: criminal policy, imprisonment, execution of imprisonment

